

جوانان را در یابید!

<"xml encoding="UTF-8?">

جوانی بهار عمر و جوان بهترین و مفیدترین قشر جامعه است. جوانان قشر متحرک، فعال و پرشور و نشاط جامعه را تشکیل می دهند. آن ها با استعدادهای فراوان نشاط بسیار راه های سخت و ناهموار پیشرفت را می پیمایند و زمام فردای جامعه را به دست می گیرند. بدین جهت تمام نظام ها و حکومت ها روی این قشر عظیم سرمایه گذاری می کنند. در این راستا انبیاء و معصومان نیز توجه ویژه ای به جوانان داشته اند. در این نوشتار پرتوی از سخنان و سیره امام صادق (ع) را در زمینه مربوط به جوانان مطرح نماییم.

الف- جوانان و دین شناسی

یکی از علل فاصله گرفتن جوانان از دین و مسایل مذهبی نا آگاهی آن ها از دین است. جوانان چون بصیرت و آگاهی کافی از دین ندارند، تحت تاثیر تبلیغات سوء دشمنان قرار می گیرند. امام صادق (ع) به بشیر فرمود: «لاخیر فی من لا یتفقه من اصحابنا یا بشیر ان الرجل منکم اذا لم یستغن بفقهه احتاج الیهم فاذا احتاج الیهم ادخلوه فی باب ضلالتهم و هو یعلم» (1)؛ خیری نیست در آن گروه از اصحاب ما که تفقه در دین نمی کنند. ای بشیر! اگر یکی از شما به مسایل دینی اش آشنا نباشد به دیگران محتاج می شود و زمانی که به آن ها نیازمند شد آن ها ناخواسته او را در وادی گمراهی خود وارد می سازند.

در این زمان که همه ابزارها و راه های انحراف فکری از سوی دشمنان دین مهیاست از رسانه های صوتی و تصویری گرفته تامطبوعات و کتاب های انحرافی و... جوانان با طوفانی از تهاجم فرهنگی مواجه اند و اگر آمادگی های لازم دینی را نداشته باشند در برابر شبهات و القائات فکری مکاتب و فلسفه های مختلف تسلیم می شوند. امام صادق (ع) عنایت ویژه ای به بصیرت و بینش دینی جوانان داشت. آن حضرت فرمود: «لواتیت بشاب من شباب الشیعه لایتفقه لادبته»؛ اگر به جوانی از جوانان شیعه برخورد کنم که در دین تفقه نمی کند او را تاءدیب خواهم کرد.

نیز فرمود: «العامل علی غیر بصیره کالسائر علی غیرالطریق و لایزیده سرعه السیر من الطریق الا بعدا» (2) کسی که بدون آگاهی و بینش به دین عمل می کند همانند کسی است که از بیراهه می رود و تند روی او جز دوری از راه نمی افزاید.

نیز فرمود: «انظر لکل من لا یفیدک منفعه فی دینک فلا تعتدن به ولا ترغبن فی صحبتہ فان کل ماسوی اللہ تبارک و تعالی مضمحل وخیم عاقبتہ»؛ هرکسی که مفید به حال دین تو نیست به او اعتنا مکن وعلاقه ای به رقابت با او نشان مده. هر آن چه غیر الهی است نابودشدنی است و عاقبت ناخوشایندی خواهد داشت. (3) نیز فرمود:

«بادروا احداثکم بالحديث قبل ان یسبقکم الیهم المرجئه» (4) نوجوانان را با حدیث و فرهنگ اهل بیت علیهم السلام آشنا کنید؛ قبل از آن که مرجئه (5) بر شما سبقت بگیرند. فضیل بن یسار می گوید: امام صادق (ع) به شیعیان فرمود:

«احذرو علی شبابکم الغلاه لا یفسدو هم فان الغلاه شر خلق یصغرون عظمه الله و یدعون الربوبیه لعبادالله و الله ان الغلاه (6) لشر من اليهود و النصارى و المجوس»؛ جوانانان را از غلات برحذر دارید. مبادا آن ها را فاسد کنند. غلات بدترین خلق خداهستند. آن ها عظمت خدا را کوچک به حساب می آورند و ربوبیت را برای بندگان نیز اعتقاد دارند. به خدا قسم! غلات از یهود، نصاری و مجوس بدترند.

امام صادق (ع) به یکی از یارانش فرمود:

«یابن جندب! بلغ معاشر شیعتنا و قل لهم: لا تذهبن بکم المذاهب، فوالله لا تنال و لا یتنا الا بالورع و الاجتهاد فی الدنیا و موساه الاخوان فی الله» (7) ؛ ای پسر جندب! به شیعیان ما بگو: مواظب باشید فرقه ها و گروه ها شما را منحرف نسازند. به خدا سوگند! هیچ کس به جرگه ولایت ما در نمی آید، مگر با رعایت پارسایی و تلاش در دنیا و همیاری با برادران دینی.

ب- جوانان و آموزش

امام صادق (ع) فرمود:

«لست احب ان اری الشاب منکم الا غادیا فی حالین: اما عالما او متعلما» (8) ؛ دوست ندارم یکی از شما جوانان را ببینم؛ مگر دریکی از دو حال: یا دانا یا در حال یادگیری و دانش اندوزی.

ج- جوانان و ادب آموزی

امام صادق (ع) فرمود:

«لیس منا من لم یوقر کبیرنا و لم یرحم صغیرنا» (9) ؛ از مانیست کسی که به بزرگترها احترام و به کوچکترها رحم نکند.

از امام صادق (ع) نقل شده است که هرگز امام حسین (ع) جلوتر از امام حسن (ع) حرکت نمی کرد و اگر آن دو باهم بودند هرگز امام حسین (ع) جلوتر از امام حسن (ع) سخن نمی گفت. (10)

امام صادق (ع) فرمود:

«جاء رجلان الی النبی شیخا و شابا فتکلم الشاب قبل الشیخ فقال النبی الکبیر الکبیر» (11) ؛ روزی دو نفر که یکی پیر و دیگری جوان بود به خدمت پیامبر (ص) مشرف شدند. جوان قبل از پیر مرد شروع به سخن کرد. پیامبر (ص) فرمود: بزرگ. بزرگ.

د- جوانان و ازدواج

امام صادق (ع) درباره ازدواج فرمود:

«من تزوج احرز نصف دینه فلیتق الله فی النصف الاخر» (12) ؛ کسی که ازدواج کند نیمی از دین خود را به دست آورده است. پس باید در مورد نصف دیگر از خدا بترسد. نیز فرمود:

«رکعتان یصلیهما المتزوج افضل من سبعین رکعه یصلیهما العزب» (13) ؛ دو رکعت نمازی که متاهل می خواند برتر است از هفتاد رکعت نمازی که مجرد می خواند.

امام صادق (ع) فرمود: شخصی نزد پدرم آمد و از او سؤال کرد:

فلانی! زن داری یا نه؟ او گفت: خیر. پدرم فرمود: فلانی! اگر خدایت را و آنچه که در دنیا است به من بدهد و بگوید یک شب بی زن باش، قبول نمی کنم. (14) علی بن رباب می گوید: زراره به خدمت امام صادق (ع) رسید. حضرت از او سؤال کرد. ای زراره! آیا ازدواج کرده ای؟ زراره پاسخ داد: خیر. حضرت فرمود: چه عاملی موجب ترک ازدواج شما شده است؟ زراره عرض کرد: من نمی دانم ازدواج با این ها (مخالفین) خوب است یا خیر؟ حضرت فرمود: پس چگونه صبر می کنی و خود را حفظ می کنی با این که جوان هستی؟ زراره عرض کرد: کنیز می خرم. حضرت فرمود: چگونه نکاح با کنیزان را خوب می دانی؟ زراره عرض کرد: اگر مشکلی با آن ها داشته باشم آن ها را می فروشم. حضرت فرمود: از این جهت از تو سؤال نمی کنم. سؤال من این است که چگونه آن ها را برای خود خوب می دانی با این که آن ها نیز از مخالفین هستند؟ زراره فرمود: آیا امر می فرمایید ازدواج کنم؟ فرمود: این مساله به اختیار شماست. (15)

ه- جوانان و تقوا

یکی از خطراتی که جوانان را تهدید می کند هوسرانی و بی بندوباری است و تقوا می تواند سدی در برابر هوس ها باشد. لذا امام صادق (ع) فرمود:

«یامعشر الاحداث! اتقوا الله» ای گروه جوانان! از خدا بترسید. (16) نیز فرمود: «لاینبغی للمؤمن ان یجلس مجلسا یعصى الله فیه و لا یقدر علی تغییره» (17) ؛ سزاوار نیست برای مؤمن که در مجلسی بنشیند که در آن معصیت می شود و نمی تواند جلوی آن را بگیرد.

و- جوانان و قرآن

یکی از عواملی که می تواند جوانان را از انحرافات گوناگون حفظ نماید ارتباط و انس با قرآن است. امام صادق (ع) در این باره فرمود: «من قرء القرآن و هو شاب مؤمن اختلط القرآن بلحمه ودمه» (18) ؛ جوان مومنی که به قرائت قرآن پردازد قرآن با گوشت و خونس در می آمیزد.

ز- جوانان و نماز

یکی از عوامل بازدارنده جوانان از هوس ها و آلودگی ها نماز است.

نماز در کلمات و سیره امام صادق (ع) جایگاه خاصی دارد. روایات نقل شده از آن حضرت در باره نماز به اندازه یک کتاب قطور می باشد. در این جا فقط به یک روایت بسنده می کنیم. امام صادق (ع) فرمود: «اول ما یحاسب به العبد الصلاه فاعن قبلت قبل سائر علمه و ان ردت رد سائر علمه» (19) ؛ اولین عملی که در قیامت مورد محاسبه قرار می گیرد نماز است. اگر نماز قبول شود سایر اعمال قبول می شود و اگر نماز رد شود سایر اعمال نیز رد خواهد شد.

ح- ارتباط با جوانان

امام صادق (ع) توجه خاصی در جذب و تربیت جوانان داشتند. هشام جوانی بود که محضر امام صادق (ع) را درک کرد و به شکوفایی علمی رسید. مفضل ابن عمرو شماری دیگر از جوانان جزو یاران خاص آن حضرت بودند. عده ای از اهل کوفه برای امام صادق (ع) نامه نوشتند و به آن حضرت گفتند: مفضل ابن عمر که یکی از یاران شماست با افراد ناباب و کبوتر باز نشست و برخاست می کند و با آن ها ارتباط دارد. شایسته است که شما به او دستور فرمایید تا از آنان کناره گیری کند. حضرت نامه ای برای مفضل نوشت و زراره، محمد ابن مسلم و ابوبصیر را مامور رساندن نامه به مفضل کرد. حضرت در آن نامه از مفضل خواسته بود تا اشیاء و وسایل بسیاری را برای آن حضرت تهیه نموده، به خدمتش ارسال نماید. مفضل پس از خواندن نامه، نامه رسانان را از محتوای نامه آگاه ساخت. آن ها گفتند: برای ما تهیه آن ها مقدور نیست. مفضل آن ها را به صبحانه دعوت کرد. آن ها مشغول خوردن صبحانه شدند. مفضل افرادی را به سراغ یاران جوان خود فرستاد. آن ها به خدمت مفضل رسیدند. مفضل نامه حضرت را به آن ها نشان داد. طولی نکشید که آن ها همه آنچه را که امام خواسته بود فراهم ساخته، تقدیم مفضل کردند. آن گاه مفضل رو به حاملان نامه کرد و فرمود: آیا شما می خواهید من این ها را از خود دور کنم؟ (20)

پی نوشت ها :

- 1- بحارالانوار، ج 1، ص 22؛ کافی، ج 1، ص 33.
- 2- کافی، ج 1، ص 43؛ تحف العقول، ص 269؛ بحارالانوار، ج 1، ص 206.
- 3- میزان الحکمه، ج 5، ص 306.
- 4- اصول کافی، ج 6، ص 47؛ وسایل الشیعه، ج 15، ص 196؛ مستدرک، ج 2، ص 353.
- 5- مرجئه گروه منحرفی در زمان بنی امیه بودند که صرف داشتن اعتقاد را کافی می دانستند و عمل و تکلیف را جزو ایمان به حساب نمی آوردند. (ر.ک: عدل الهی، ص 313؛ در کتاب الفرق بین الفرق آمده است: مرجئه مبلغانی داشتند که مردم را به عقاید مرجئه دعوت می کردند.
- 6- غلات کسانی هستند که در باره حضرت علی (ع) غلو می کنند و او را رب می دانند و معتقدند که مصالح جهان به دست او انجام می گیرد. آن ها برای پنج نفر از یاران آن حضرت چنین ربوبیتی راقائلند. (ر.ک: مجمع البحرین، ص 328).
- 7- تحف العقول، ص 33.
- 8- بحارالانوار، ج 1، ص 17.
- 9- همان، ج 75، ص 138.
- 10- مشکاه الانوار، ص 170.
- 11- همان، ص 168؛ ینابیع الحکمه، ج 3، ص 230.
- 12- وسایل الشیعه، ج 20، ص 17.13 همان.
- 14- اخلاق در خانه، ج 1، ص 54.
- 15- بحارالانوار، ج 72، ص 166.
- 16- میزان الحکمه، ج 4، ص 273؛ گفتار فلسفی، (جوان)، ج 1، ص 66.

17- وسایل الشیعه، ج 11، ص 503.

18- کافی، ج 4، ص 414؛ وسایل الشیعه، ج 2، ص 140.

19- وسایل الشیعه، ج 3، ص 22.

20- معجم رجال الحديث، ج 19، ص 325.